

زبان عربی ۱

*** عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ

۱- أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ:

- ۱) به چیزی که می گوید نگاه کن به کسی که می گوید ننگر!
- ۲) به چیزی که گفت بنگر و به کسی که گفت نگاه نکن!
- ۳) آن چیزی را که گفت توجه کن و به کسی که گفت توجه نکن!
- ۴) به آن چه که گفت نگاه نکن و به کسی که گفت نگاه کن!

۲- اللَّهُ أَنْزَلَ أَنْعَمَهُ الْمُنْهَمِرَةَ فَعَلِينَا أَنْ نَشْكُرَهُ:

- ۱) خداوند نعمت‌های ریزانش را فرو فرستاد پس ما باید از او سپاسگزاری کنیم!
- ۲) نعمت‌های ریزان خداوند بر ما فرو آمد پس بر ماست که از او شکرگزاری کنیم!
- ۳) خدا نعمت ریزانش را فرستاد پس شکرگزاری او بر همه واجب است!
- ۴) خدایا نعمت‌های ریزانت را بر ما نازل کردی پس شکرگزاری از آن‌ها بر ما واجب است!

۳- إِنَّ هَذِهِ الْأَشْجَارَ الْجَمِيلَةَ ذَاتَ الْغُصُونِ النَّضْرَةَ:

- ۱) قطعاً این درخت زیبا دارای شاخه‌های سرسبز هست!
- ۲) حقیقتاً آن درختان زیبا دارای شاخه‌های تر و تازه‌اند!
- ۳) حقیقتاً این درخت‌های زیبا از شاخه‌هایی سرسبز برخوردار هستند!
- ۴) قطعاً این درختان زیبا دارای شاخه‌های تر و تازه هستند!

۴- جَذْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعْرَةً وَ حَرَارَتُهَا مُنْتَشِرَةٌ فِي السَّمَاءِ:

- ۱) شعله‌های خورشید، فروزان است و حرارتش در آسمان ریزان!
- ۲) پاره‌های آتش خورشید، سوزان و گرمای آن پراکنده است در آسمان!
- ۳) پاره آتش خورشید، فروزان و گرمایش در آسمان پخش شده است!
- ۴) اشعه خورشید، گداخته است و گرمای آن در آسمان ریزان است!

۵- رَبَّنَا الَّذِي زَانَ اللَّيْلَ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ:

- ۱) پروردگارا تو کسی هستی که شب را مانند مرواریدهایی پراکنده با ستارگانی آراستی!
- ۲) پروردگارا ما کسی است که شب را با ستاره‌هایی مانند مرواریدهای پخش شده زینت داد!
- ۳) خداوند شب را با ستاره‌ای مانند مرواریدی پراکنده زینت می‌بخشی!
- ۴) پروردگارا همان کسی است که شب را با ستاره‌ای مانند مرواریدهای پخش شده زینت داده بود!

۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) اکتب لنا في هذه الدنيا حسنة: در این دنیا برای ما خوبی‌هایی نوشت!
- ۲) لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم و كثرة الحج: به فراوانی نمازشان و فراوانی حج نگاه نکنید!
- ۳) هي حزينَةٌ لِأَنَّ أُمَّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمَسْتَشْفَى: او غمگین است چرا که مادر در بیمارستان کار می‌کند!
- ۴) من طلب شيئاً و جَدَّ وَجَدَ: چه کسی چیزی را طلبید و یافت؟

۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) عليك بذكر الله فَإِنَّهُ نور القلب: بر تو یاد خدا لازم است پس آن نور قلب است!
- ۲) الكلام كالدواء قليله ينفع كثيره قاتل: سخن همچون دارو هاست که کم آن سود می‌رساند و زیادش خواهد کشت!
- ۳) رَبَّنَا لا تجعلنا مع القوم الظالمين: پروردگارا ما را با گروه ستمکار قرار نده!
- ۴) أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِلنَّاسِ: محبوب‌ترین بندگان خدا، سودمندترین‌شان برای مردم است!

※ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ

«أراد مسافرٌ تسليم نقوده إلى شخصٍ أمينٍ فذهب إلى القاضي و قال: إنني سأسافر و أريد تسليم نقودي عندك أمانةً و سوف أستلمها منك بعد رجوعي. فقال القاضي: إجعل نقودك في ذلك الصندوق. لمارجع من السفر ذهب عند القاضي و طلب منه الأمانة ولكن قال القاضي: إنني لا أعرفك. ذهب هذا الرَّجُل إلى الحاكم و شرح له القضية فقال الحاكم: سيأتي القاضي إلى غداً فادخل علينا و اطلب أمانتك.

٨- عَيِّن الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

- (١) إستلم الرجل أمانته من الحاكم
(٢) عرف القاضي ذلك الرجل و سلّمه
(٣) ماكان القاضي أميناً لأمانة الناس
(٤) أعطى الرجل أمانته إلى الحاكم

٩- متى أراد المسافر تسليم نقوده؟

- (١) بعد رجوعه من السفر
(٢) بعد زيارة الحاكم
(٣) لمّا شاهد قاضي المدينة
(٤) قبل ذهابه إلى السفر

١٠- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- (١) قَبِلَ القاضي حفظ الأمانة من المسافر
(٢) ما جعل المسافر نقوده في الصندوق
(٣) الحاكم سمع قضية الأمانة من الرَّجُل
(٤) يريد القاضي الذهاب إلى الحاكم غداً

١١- عَيِّن ما لا تَشَاهِدُ فِي النَّصِّ:

- (١) اسم الإشارة للتقريب
(٢) فعلٌ مضارعٌ للنفي
(٣) فعلٌ مستقبليٌّ
(٤) اسم الإشارة للمؤنث

※ عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية

١٢- عَيِّن الخَطَأَ فِي التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) من الملابس الرجالية ذات الألوان المختلفة: القميص
(٢) قطعة من النار: الشّرة
(٣) من الأحجار الغالية ذات اللون الأبيض: الدرر
(٤) كوكبٌ يدور حول الأرض؛ ضياؤه من الشمس: الغيم

١٣- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ الْإِشَارَةِ:

- (١) هؤلاء الأحجار جميلةٌ جداً
(٢) ذلك الرجال يسافرون إلى طهران
(٣) رأيت في الشارع هذان التلميذان
(٤) لأمتي سيّارة و تلك الكتاب لأبي

١٤- عَيِّن المَثْنَى:

- (١) أحبُّ العاملين و هم يعملون من أجل تقدّم البلاد
(٢) إستقبل الزائرين الذين جاؤوا من مكّة المكرّمة
(٣) إنّ الصادقين ناجحون في الحياة
(٤) رأيتُ المسافرتين و هما جالستان في غرفة الانتظار

١٥- عَيِّن ما لَيْسَ فِي العبارة: «أحبّ الطعام إلى الله ما كثرت عليه الأيدي.»

- (١) مضاف إليه
(٢) جمع التفسير
(٣) فعل للغائب
(٤) الفعل الماضي المنفي